

# جدال اژدها و عقاب



حسین علی پور

## فهرست مطالب

۲۱	..... دیباچه
۲۳	<b>فصل اول. نظام بین‌الملل و ویژگی‌های آن</b>
۲۵	..... توسعه‌ی رفاه
۲۵	..... تقویت امنیت
۲۸	..... ۱-۱-۴- بررسی نظریه‌ها، تئوری‌های سه قلو
۲۸	..... پایان تاریخ، رهیافتی نوین
۳۰	..... دیدگاه برخورد تمدن‌ها
۳۱	..... دیدگاه موج سوم
۳۳	..... ۱-۱-۵- تئوری‌ها در راستای هدف!
۳۴	..... ۱-۲- بخش دوم: بازیگران نظام نوین جهانی
۳۴	..... ۱-۲-۱- قطبیت
۳۶	..... ۱-۲-۲- تک قطب هژمون
۳۹	..... ۱-۲-۳- آخرین ابرقدرت
۴۱	..... ۱-۲-۴- ماهیت نظام بین‌المللی کنونی
۴۳	..... ۱-۳- بخش سوم: سناریوهایی برای آینده
۴۵	..... ۱-۳-۱- روسیه به دنیای احیای نقش
۴۶	..... ۱-۳-۲- ژاپن زیر پرچم امریکا
۴۶	..... ۱-۳-۳- اتحادیه‌ای اروپا، نوپاترین قدرت
۴۷	..... ۱-۳-۴- چین، رقیبی استراتژیک!
۴۸	..... چین و اتحادیه‌ی اروپا
۴۸	..... ۱-۴- تحلیل
۵۳	<b>فصل دوم. هژمونی</b>
۵۵	..... ۱-۲- بخش اول: تعریف و ویژگی‌ها
۵۵	..... ۱-۱-۲- تعریف هژمونی
۵۶	..... ۱-۲-۲- ویژگی‌های هژمون
۵۸	..... ۱-۲-۳- هژمونی در سیاست بین‌الملل
۶۱	..... ۱-۲-۲- بخش دوم: امریکا و هژمونی

- بعد اقتصادی هژمونی..... ۶۱
- بعد نظامی هژمونی ..... ۶۳
- بعد سیاسی هژمونی ..... ۶۴
- ۳-۲-۲- امریکا، امپراطوری نه، هژمونی آری!..... ۶۵
- ۴-۲-۲- "آزادی"، ماهیت هژمونی امریکا..... ۶۷
- ۵-۲-۲- چالش بزرگ، ازدهای زرد آسیایی!..... ۶۹
- ۳-۲- تحلیل: چین و تلاش برای کسب هژمونی در قرن بیست و یکم..... ۷۲
- فصل سوم. علت‌های ظهور چین..... ۷۵**
- ۱-۳- درآمدچین، حرکت با چراغ خاموش!..... ۷۷
- ۲-۳- بخش اول: نگرش رهبران ..... ۷۸
- ۱-۲-۳- دنگ شیائوپینگ، معمار چین نو ..... ۷۸
- ۲-۲-۳- مائو و دنگ، دو رهبر، دو نگاه!..... ۸۲
- ۳-۲-۳- سیاست خارجی چین، از انقلابی‌گری به توسعه‌گرایی..... ۸۵
- انقلاب و جنگ مائو ..... ۸۵
- "توسعه و صلح، دنگ" ..... ۸۸
۱. دگرگونی در اصول راهنما..... ۸۹
۲. کم‌رنگ شدن باورهای اعتقادی در روابط با سایر کشورها..... ۹۰
۳. نگاه نوین به اقتصاد بین‌الملل ..... ۹۱
۴. دگگون شدن رفتار از جنبش به دولت ملی ..... ۹۲
۵. رشد جایگاه تعاملات اقتصادی در سیاست خارجی چین ..... ۹۲
۶. دگرگونی در الگوی همکاری در سازمان‌های بین‌المللی ..... ۹۳
- ۳-۳- بخش دوم: نگاه چین به نظام بین‌الملل ..... ۹۳
- ۱-۳-۳- تغییر نگاه ایدئولوژیک به نگاه اقتصادی، سیاسی، امنیتی..... ۹۳
- ۲-۳-۳- ظهور مسالمت‌آمیز، انتخاب استراتژیک..... ۹۴
۱. ایجاد محیطی مسالمت‌آمیز برای پیشبرد فرآیند نوسازی اقتصادی خود..... ۹۸
۲. سوق دادن نظم بین‌المللی به سوی چند قطبی ..... ۹۹
۳. هموارسازی مسیر ظهور چین..... ۹۹
- ۳-۳-۳- نگاه چینی ..... ۹۹

- نگاه چینی<sup>۱۷</sup>..... ۱۰۱
- ۳-۴- بخش سوم: ظهور اقتصادی چین..... ۱۰۱
- ۳-۴-۱- چین: دومین اقتصاد بزرگ دنیا..... ۱۰۱
- ۳-۴-۲- اقتصاد چین ..... ۱۰۶
- ۳-۴-۳- قابلیت‌های چین در عرصه‌ی انرژی ..... ۱۰۷
- ۳-۴-۴- رشد اقتصادی چین در دهه اول قرن بیست و یکم..... ۱۱۱
- ۳-۵- بخش چهارم: ظهور نظامی چین..... ۱۱۲
- ۳-۵-۱- نگاهی به سند دفاع ملی چین..... ۱۱۳
۱. نظم بین‌المللی: تداوم ثبات سیستمی ..... ۱۱۳
۲. تهدیدات پیش روی چین و راه‌های مقابله ..... ۱۱۴
۳. محیط امنیتی و همکاری بین‌المللی ..... ۱۱۸
- ۳-۵-۲- روند نوسازی نظامی ارتش چین..... ۱۲۰
۱. پایان جنگ سرد و تغییر محیط امنیتی چین..... ۱۲۰
۲. انقلاب در امور نظامی ..... ۱۲۰
۳. معضل تایوان ..... ۱۲۱
۱. مبارزه با فساد..... ۱۲۱
۲. افزایش سریع بودجه نظامی ..... ۱۲۲
۳. کاهش نیروها..... ۱۲۲
۴. نوسازی تسلیحات ..... ۱۲۲
۵. افزایش قدرت نیروی نظامی ..... ۱۲۳
۶. گسترش برنامه‌های تأثیرگذاری فضایی..... ۱۲۳
۷. افزایش سطح نیروهای نظامی ..... ۱۲۴
- ۳-۵-۳- چین نظامی مدرن ..... ۱۲۴
- ۳-۵-۴- واکنش‌ها..... ۱۲۶
- ۳-۶- بیداری غول خفته، چین و گام‌های بلند به سوی توسعه..... ۱۲۹
- فصل چهارم. بررسی علت‌های رقابت دو قدرت، امریکا و چین ۱۳۳**
- ۴-۱- درآمد..... ۱۳۵
- ۴-۲- بخش اول: حوزه‌ی عملی ..... ۱۳۶
- ۴-۲-۱- "جنگ پنهان امریکا و چین" ..... ۱۳۶
- ۴-۲-۲- رقابت بر سر سهم از کیک اقتصاد جهانی..... ۱۴۰

۱۴۳-۳-۲-۴ رقابت بر سر منابع انرژی جهان ..... ۱۴۳

۱۴۷-۴-۲-۴-۴ تقابل ارزش‌های کنفوسیوسی و غربی ..... ۱۴۷

۱۴۹-۵-۲-۴-۴ مسأله‌ی تایوان ..... ۱۴۹

۱۵۰-۶-۲-۴-۴ بحران هسته‌ای کره‌ی شمالی ..... ۱۵۰

۱۵۱-۷-۲-۴-۴ حقوق بشر ..... ۱۵۱

۱۵۲-۸-۲-۴-۴ توسعه‌ی توان نظامی چین ..... ۱۵۲

۱۵۴-۳-۴-۳-۴ گفتار دوم: حوزه‌ی تئوری ..... ۱۵۴

۱۵۴-۱-۳-۴-۴ علت‌های تعارض دو قدرت ..... ۱۵۴

تغییر وضع موجود و حفظ وضع موجود ..... ۱۵۴

۳. چندجانبه‌گرایی و یک‌جانبه‌گرایی ..... ۱۵۵

۳. صلح در مقابل امنیت ..... ۱۵۵

۴. کسب هژمونی ..... ۱۵۶

**تحلیل نهایی. پایان رقابت عقاب و اژدها ..... ۱۵۷**

تحلیل نهایی پایان رقابت عقاب و اژدها ..... ۱۵۹

کتابنامه ..... ۱۶۴

منابع فارسی ..... ۱۶۴

۱. کتاب‌های فارسی ..... ۱۶۴

۲. مقالات فارسی ..... ۱۶۷

۳. منابع اینترنتی فارسی ..... ۱۷۰

۴. گزارش‌های راهبردی و بولتن‌ها و مصاحبه ..... ۱۷۲

منابع انگلیسی ..... ۱۷۳

Books ..... ۱۷۳

Articles ..... ۱۷۴

**مقدمه**

از گذشته‌های دور تاکنون نظام بین‌المللی معمولاً عرصه‌ی رقابت و نیز گاهی همکاری قدرت‌های بزرگ بوده و قدرت‌های پایین دست تحت تأثیر اراده‌ی قدرت‌های برتر بوده‌اند. آنچه از درس تاریخ روابط بین‌الملل آموخته‌ایم، مؤید این است که روزی امپراتوری‌های ایران و روم و روزگاری نزدیک‌تر اسپانیا و پرتغال و از قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم میلادی پنج قدرت بزرگ دیگر اروپایی شامل روس، پروس، اتریش هنگری، فرانسه و بریتانیا زمامدار امور بوده‌اند و به‌دنبال وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم و افول ستاره‌ی بخت قدرت‌های اروپایی، دو قدرت نوظهور در عرصه‌ی جهانی وارد عرصه‌ی رقابت و کشمکش با یکدیگر می‌شوند و به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، رقابت‌های موجود بین این دو، جنگ سردی را رقم می‌زند که تا بیش از چهاردهه همه‌چیز را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد، به‌نحوی که همه‌ی فعل و انفعالات بین‌المللی و به‌عبارتی سیاست بین‌الملل در سایه‌ی خواست و اراده‌ی این دو ابر قدرت معنا می‌یابد؛ **ولی از آن جا که قرار نیست قدرت‌ها برای همیشه بر سر قدرت بمانند** و جبر زمانه آن‌ها را وادار به جابه‌جایی و واگذاری قدرت می‌کند از بین این دو قدرت بر آمده از جنگ‌های جهانی اول و دوم، در حال حاضر یکی از بین رفته و دیگری نیز در تقلا‌ی ماندن است، درحالی که از همان سال‌های آغازین قدرت‌یابی ایالات متحده‌ی آمریکا در عرصه‌ی نظام بین‌المللی و با این تصور که این قدرت نوظهور باید به هر نحو ممکن رقیب خودش را از صحنه به در کند همه‌ی برنامه‌ریزی‌هایش را حول محور این امر مهم انجام داد، تا آن جا که جرج کنان از دیپلمات‌های

کارگشته‌ی آمریکا و از کارکنان سفارت آمریکا در مسکو نظریه‌ای را با عنوان «سد نفوذ» و با هدف مهار کمونیسم به رهبری شوروی ارائه داد.

پیش‌بینی **جرج کنان** این بود که با توجه به ماهیت ایدئولوژیک حزب کمونیست و نیز ساختار سیاسی اقتدارگرایی حاکم بر شوروی، این نظام در دهه‌ی شصت میلادی فرو خواهد پاشید. فرض کنان بر این بود که مقامات کرملین، نظامی توتالیتر را در شوروی پی افکنده‌اند که می‌کوشد در عرصه‌ی رقابت بین‌المللی از رقیب خود عقب نماند و از آن‌جا که نماد قدرت در آن روزگاران، برتری نظامی بود، به‌زعم جرج کنان مقامات کرملین همه‌ی توش و توان خود را در عرصه رقابت نظامی و تسلیحاتی به‌ویژه تسلیحات هسته‌ای و فضایی به‌کار خواهند گرفت و از آن‌جا که ورود در عرصه‌ی این رقابت هزینه‌بر است، ناگزیر بخش اعظم درآمدهای خود را باید مصرف این امر نمایند. در نتیجه توجه بیش از حد به این حوزه‌ی رقابتی هم باعث عقب‌ماندگی شوروی در سایر حوزه‌های رونق و پیشرفت می‌شود و هم مقامات کرملین ناگزیرند رفاه مالی را از مردم دریغ کنند و در کام فن‌سالاران نظامی بریزند و مردمی که هم از مزیت‌های آزادی مدنی و دموکراسی محروم مانده‌اند و هم گرسنگی و عقب‌ماندگی را به‌عنوان دستاوردهای نظام کمونیستی احساس می‌کنند دیر یا زود دست به طغیان خواهند زد و فریاد سقوط رژیم کمونیستی را سر خواهند داد. از نگاه جرج کنان و دیگر صاحب‌نظران حامی نظام سرمایه‌داری و پیرو اندیشه‌ی لیبرال دموکراسی وظیفه‌ی رهبران ایالات متحده آمریکا به‌عنوان رهبری این نظام به‌کارگیری همه‌ی امکانات برای محاصره و مهار شوروی است، در غیر این صورت با چنگ‌اندازی سریع شوروی و تعمیم ارزش‌های کمونیستی به حوزه‌های نفوذ غرب، نظام سرمایه‌داری با خطر جدی و ویرانگر روبه‌رو خواهد شد. به‌هرحال، هر چند پیش‌بینی جرج کنان مبنی بر فروپاشی نظام کمونیستی شوروی در دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی محقق نشد، به

هرحال در دو دهه‌ی بعد این برآورد جامه عمل پوشید و ابرقدرتی که سایه‌ی وحشت را بر بخش اعظم جهان گسترده بود با همه‌ی ید و بیضایش فرو پاشید.

با فروپاشی شوروی، آمریکایی‌ها سرمست پیروزی شدند و رهبران آن عنوان می‌کردند که اندیشه‌ی لیبرال دموکراسی و نظام سرمایه‌داری بر اندیشه‌ی مارکسیستی و نظام کمونیستی فایق آمده و پیروز میدان است؛ در نتیجه از این پس همگان باید به نظام آینده‌ی بین‌المللی که تک‌قطبی و به رهبری ایالات متحده آمریکا خواهد بود اذعان کنند و شرایط آن را بپذیرند. در همین ایام جورج بوش پدر رئیس‌جمهور وقت آمریکا که در آستانه‌ی فروپاشی شوروی سکان رهبری ایالات متحده آمریکا را در اختیار داشت، مغرور از این پیروزی مورد انتظار در پنج دهه‌ی گذشته، آینده‌ی نظام بین‌المللی را در قالب طرحی نو با نام **نظم نوین جهانی** ترسیم و اعلام کرد قرن آینده یک «**قرن آمریکایی**» است و ارزش‌های آمریکایی باید الهام‌بخش زندگی انسان‌ها در سراسر جهان قرار گیرد.

به‌دنبال ارائه‌ی این الگو نظریه‌های دیگری چون نظریه‌ی جنگ تمدن‌های هانتینگتون و نظریه‌ی پایان تاریخ فوکویاما و نیز در همین راستا نظریه‌ی ثبات مبتنی بر سیطره‌ی کیندلبرگر با تأکید بر رهبری بلامنازع و در عین حال گریزناپذیر آمریکا و بر پایه‌ی یک نظام تک‌قطبی به رهبری ایالات متحده آمریکا پی‌ریزی و ارائه شد. رویکردها، برنامه‌ها و اقدامات دولتمردان و سیاستگذاران آمریکایی هم تا چند سالی بعد از فروپاشی شوروی تأکیدی بود بر این نظر که نظام بین‌المللی آینده، نظامی تک‌قطبی به رهبری ایالات متحده و دیگران است و باید بر این رهبری گردن نهند و خودشان را با شرایط جدید تطبیق دهند؛ ولی به‌تدریج و در پی حوادثی چند از جمله حادثه‌ی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و حملات آمریکا به افغانستان و به‌ویژه به عراق در ۲۰۰۳ آشکار شد که قدرت‌های موجود دیگر از جمله متحدین استراتژیک ایالات متحده در اروپا،